

Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol. 7,
No. 12,
autumn and winter 2022
P 170 - 206

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۶ ش ۱۲ پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۱۷۰ - ۲۰۶

راهکارهای قرآنی رشد اقتصادی و آسیب‌های آن با تأکید بر بیانیه گام دوم

محمد نظیر عرفانی*

چکیده

اقتصاد جزو جدانشدنی از جامعه انسانی و تأثیرگذار بر سایر مناسبات اجتماعی همچون فرهنگ و سیاست می‌باشد، جامعه یا گروهی که اقتصاد ضعیفی دارد ناچار زیر بار تهاجم فرهنگ سیاسی گروه‌هایی با اقتصاد قوی است به همین جهت مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم ضمن روشنگری دستاوردهای انقلاب اسلامی، در سرفصل‌ها و توصیه‌هایی اساسی با اشاره به کلیدی بودن بحث اقتصاد بر تقویت اقتصاد مستقل و مبتنی بر تولید انبوه، باکیفیت، توزیع عدالت محور، مصرف به اندازه و بی‌اسراف تأکید نموده‌اند، به همین جهت در این تحقیق با توجه به بیانیه گام دوم به بررسی راهکارهای قرآنی رشد اقتصادی و آسیب‌های آن پرداخته‌ایم، یافته‌های تحقیق که به شیوه توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای مطالب صورت گرفته حاکی از آن است که راهکارهای قرآنی رشد اقتصادی عبارت هستند از عدالت اقتصادی، تولید، نفوذناپذیری اقتصادی، فرهنگ انفاق، ادای تکالیف مالی و قناعت؛ همچنین آسیب‌های اقتصادی که باید از جامعه رفع گردند شامل موارد ذیل هستند: وابستگی اقتصادی به بیگانگان، ثروت‌اندوزی، ربا، اسراف، بیکاری و فقر.

۱۷۰

واژگان کلیدی: راهکارهای قرآنی، رشد اقتصادی، آسیب‌های اقتصادی، بیانیه گام دوم انقلاب.

*. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم اجتماعی، جامعه المصطفی العالمیه،

مقدمه

مهم‌ترین نکته در بخش اقتصادی بیانیه‌ی گام دوم وجود یک کلان تصویر عمومی با اجزای همساز با هم می‌باشد که ما با طرح کلی یک سیاست توسعه مواجهیم نه تعدادی شعار اقتصادی کنار هم چیده شده، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند، یکی از این موارد پرداخت به مسئله اقتصاد بوده است که در این بیانیه اعلام فرموده‌اند که اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. لذا این تحقیق با توجه به مباحث اقتصادی مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب به بررسی راهکارها و آسیب‌های اقتصاد از منظر قرآن می‌پردازد.

در خصوص مبحث مورد نظر آثار متعدد نگاشته شده است که برخی از کتب عبارتند از:

اقتصاد مقاومتی، زمینه‌ها و راهکارها، عباسعلی اختری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۵ ش

درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی تبیین اندیشه اقتصادی رهبر معظم انقلاب، عادل پیغامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵ ش

اقتصاد مقاومتی درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل، حجت‌الله عبدالملکی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴ ش.

از جمله مقالاتی که پیرامون این موضوع نگارش یافته می‌توان موارد ذیل را اشاره

نمود:

فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب)، الهام قربانی توتکابنی، فصلنامه علمی دانش انتظامی گلان شماره ۳۴، ۱۳۹۹ ش.

شناخت کلیدواژه‌های اقتصادی بیانیه گام دوم و تطبیق آن با واژگان معادل قرآنی و حدیثی، عباس محمودی و هانی زعفرانی.

تحلیلی بر بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه بهره‌برداری از جغرافیای طبیعی در توسعه اقتصادی کشور، داوود امینی، حمید پناهی.

بررسی اقتصاد مقاومتی با رویکرد تبیین الگوی نظری (بر اساس دکترین مقام معظم رهبری)

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. اقتصاد

این کلمه در زبان واژه‌شناسان، از ماده قَصَدَ در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه‌کاری بودن و امثال آن به کار رفته است. (آذرتاش، ۱۳۸۳، ش، ص ۵۴۴) همچنین اقتصاد به معنای اعتدال و میانه‌روی نیز آمده است. (طریحی، ۱۳۸۶، ق، ج ۳، ص ۱۲۷)

خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب «العین» در بیان مفهوم «اقتصاد» گفته است:

قصد به معنای استقامه‌الطریق، یعنی پایداری در راه است. میانه‌روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه «تقصیر» و سخت‌گیری. (فراهیدی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۵۴)

راغب در مفردات می‌گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور است بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع» همچنین در لسان العرب، عمده معنای «اقتصاد» همان اعتدال و میانه‌روی ذکر شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ ق، ص ۶۷۲) در آیه «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» نیز به همین معنی آمده است.

اقتصاد در اصطلاح علم اقتصاد به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود (آقا نظری، ۱۳۹۱ ش، ص ۳۹) ارسطو: علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه.

آدام اسمیت: اقتصاد علم بررسی ماهیت علل ثروت ملل است.

استوارت میل: اقتصاد عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع. (لوئیس فدیور، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۸)

بنابراین، علم اقتصاد، دانشی است که به تخصیص بهینه کالاها و فرآورده‌ها می‌پردازد؛ علمی که به تشریح حیات اقتصادی و پدیده‌های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آنها توجه دارد.

۲-۱. بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب بیانیه‌ای از سوی رهبر انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزه) است که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردیده است.

ایشان در این بیانیه علاوه بر «استمرار راه انقلاب اسلامی» به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازند. رهبر معظم انقلاب در این بیانیه باهدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی» توصیه‌هایی مهمی را به مردم و به ویژه جوانان ارائه نموده و به توضیح و روشن کردن مسئله برداشتن «گام دوم» به سوی «آرمان‌های انقلاب اسلامی» در هفت فصل می‌پردازند. (سید علی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)

۲. راهکارهای رشد اقتصادی

۲-۱. عدالت اقتصادی

جوامع بشری در حال حاضر، گرفتار مشکلات متعدد اقتصادی اعم از معاملات ربوی، گران‌فروشی و کم‌فروشی، تعرض به اموال دیگران و ... شده است و این امر منجر به ایجاد اختلافات فاحش طبقاتی و در نهایت زمینه ایجاد ظلم اقتصادی به اکثریت مردم در این جوامع گردیده است. تقسیم جامعه به دو دسته فقیر و غنی و یا دسته بندی‌های از این نوع که انسان‌ها را از هم جدا و متمایز می‌کند، در جامعه‌ی کنونی به وضوح دیده می‌شود. با نگرشی در برخی جوامع گذشته و حال و تحلیل زمینه‌های بی‌عدالتی اقتصادی در آنها، مسیر تعالی و آرمانی شدن جامعه دینی هموار خواهد شد. در شرح حال جامعه‌ی زمان حضرت شعیب (ع) چنین آمده است:

«و به سوی مدین، برادرشان شعیب را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛

بنابراین، حق پیمانۀ و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید و در روی زمین، بعد از آنکه در پرتو ایمان و دعوت انبیاء اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!... اشراف زورمند از قوم او که کافر شده بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، شما هم زیانکار خواهید شد؛ سپس زمین‌لرزه آنها را فراگرفت؛ و صبحگاهان به صورت اجساد بی‌جان در خانه‌هایشان مانده بودند.» (اعراف / ۹۱-۸۵)

خداوند در بیان علت نابودی قوم شعیب در شهر مدین گزارش می‌کند که چگونه تخلفات اقتصادی مردم این منطقه موجب شد تا گرفتار هلاکت شوند و جامعه آنان به کلی نیست و نابود شود. آنان در رفتارهای اقتصادی خویش به جای عدالت و حق‌گرایی به سوی بی‌عدالتی گرایش یافته و در هنگام خرید و فروش، از پیمانۀ، کم می‌گذاشتند و حقوق دیگران را به ظلم و ستم ضایع می‌کردند. این‌گونه است که به سبب تخلفات اقتصادی، راه نیستی و نابودی خویش و جامعه‌ی خود را فراهم آورده و عبرت برای دیگران شدند.

بدین ترتیب بخشی از جامعه با بهره‌مندی از رفاه و اشرافیت خویش بر انبوهی از نعمت‌ها و روزی‌های الهی مسلط شده و با خوش‌گذرانی و غوطه‌وری در زندگی دنیا و ستمگری در حق مردمان، جامعه انسانی را نیز دچار بحران اقتصادی می‌کنند و آن را تا مرز فروپاشی و نیستی می‌کشانند.

همچنین گسترش عدالت در همه ابعاد آن از جمله بعد اقتصادی از اهداف حکومت مهدوی است، این بدان معناست که در جوامع قبل از ظهور، ظلم و ستمی همه‌جانبه، سرتاسر جوامع بشری را احاطه کرده است:

«أذا قام قائمنا يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً»؛ زمانی که قائم ما قیام کند، زمین را پر از عدل می‌نماید، همان‌گونه که پر از ظلم شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۱)

در عصر کنونی ظلم‌های اقتصادی، کام مستضعفان را در جوامع بشری تلخ کرده و لذت زندگی را از آنها گرفته است. در حقیقت، جامعه‌ای که گرفتار روابط نامشروع اقتصادی است، رنگ و بویی از عدالت اقتصادی در آن مشاهده نخواهد شد.

۲-۲. تولید

بی‌تردید استقلال، ثبات سیاسی، نفوذ در مجامع جهانی، اقتدار ملی و میزان تسلط و امنیت هر جامعه به قدرت و کار آیی اقتصاد و توانمندی مالی آن بستگی دارد؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸، ش، ج ۱، ص ۶۰)

از نگاه قرآن اگر تلاش ملت مسلمان برای خودکفایی و بی‌نیازی از بیگانگان نباشد، نمی‌تواند با هویت دینی به زندگی خودش ادامه دهد، بلکه نیازهای اقتصادی موجب خواهد شد که آنها دست به سوی بیگانگان دراز کرده و بیگانگان نیز در سایه این نیاز اقتصادی از آنها مطالباتی را داشته باشند که آن مطالبات زمینه را برای انحراف آنها از هویت دینی و افکار دینی فراهم می‌کند. در سوره منافقون به این مسئله اشاره شده که این منافقین معمولاً مجریان طرح‌ها و برنامه‌های بیگانگان و دشمنان ملت اسلام هستند و به بیگانگان این‌طور بیان می‌کنند که:

«هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفِقُوا» (منافقون/۷) این‌ها همان مردم بد خواهند که می‌گویند: بیایید به کسانی که اطراف پیامبر هستند و بر اساس

اندیشه پیامبر (ص) زندگی می‌کنند و مطیع پیامبر هستند، انفاق نکنید و چیزی ندهید و این‌ها از اطراف پیامبر (ص) پراکنده شوند

اقتصادی کارآمد است که ضمن برنامه‌ریزی و اقدام برای تولید نیازهای اولیه و اساسی و راهبردی جامعه، با بازاریابی‌های مناسب به تولید بیشتر کالاها و خدماتی برای صادرات اقدام نماید. هوشیاری و درایت در برنامه‌ریزی‌ها ایجاب می‌کند که خطوط تولید به‌ویژه در محصولاتی که از خارج وارد می‌شوند، به‌گونه‌ای دیده شوند که در شرایط لازم برای تولید نیازهای داخلی قابلیت تبدیل و باز تبدیل داشته باشند. (اسدی، ۱۳۹۳، صص ۲۵-۳۹)

تولید پویا نه تنها نیازهای جامعه را به کالاها و خدمات برآورده می‌کند، بلکه اساس اقتدار و پایداری یک ملت محسوب می‌شود. تولید فعال در یک کشور می‌تواند بسیاری از معضلات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی در جامعه را کنترل کند.

۲-۳. نفوذناپذیری اقتصادی

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر تمام ارکان جامعه دینی، «نفوذناپذیری» است؛ چنانکه قرآن کریم در آیه ۱۴۱ نساء فرموده است:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان

تسلطی نداده است.

یعنی دشمنان دین نه تنها از نظر منطق و محتوای معرفتی، راه نفوذی بر مسلمانان را ندارند، بلکه در سایر امور از جمله امور فرهنگی و ... نباید بر جامعه‌ایمانی چیره باشند. این اصل، جامعه را به سوی خودکفایی و تولید نیازها سوق خواهد داد.

به عبارت دیگر، جامعه اسلامی برای اینکه نفوذناپذیر باشد، باید خودش نیازهایش را تأمین کند تا مجبور نباشد برای کوچک‌ترین نیازی، سرمایه‌های خویش را به دیگران

واگذار کند. مسلماً مقاومت در برابر هجوم دشمنان تنها در مسائل نظامی و سیاسی خلاصه نخواهد شد، همان‌گونه که مشاهده می‌شود دولت‌های استعمارگر در دوره‌های اخیر به منظور تحقق زیاده‌خواهی‌های خود، به حرب‌های فرهنگی، اقتصادی و... روی آورده‌اند و شایسته و بایسته است ملت‌ها با تدابیر همه‌جانبه، در مقابل نقشه‌های شوم آنان صف‌آرایی کنند و به دفاع بپردازند. این اصل مهم از مبانی شکوفایی جامعه‌ی دینی است و در مهر و موم‌های اخیر، با عنوان اقتصاد مقاومتی مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است. ایشان در تبیین معنای آن چنین آورده‌اند که: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، تحریم و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.» (بیانات رهبری، ۱۶/۵/۹۱)

با توجه به این شاخصه مهم و کاربردی می‌توان در موقعیت کنونی جهان که خصومت‌های فراوان از جانب سردمداران استکبار متوجه کشورمان شده است، کشور را از واماندگی و احساس نیاز به دیگران، نجات بخشید. رسول خدا (ص) نتایج بسیار ارزنده‌ای را برای جامعه‌ی دینی در صورت تحقق این شاخصه، برشمرده است، از جمله رسیدن به مقام تقوای الهی: «نعم العون علی تقوی الله الغنی»؛ بی‌نیاز بودن از دیگران یاور خوبی برای رسیدن انسان به تقوای الهی است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۱) و کسب آرامش و آسایش: «إن النفس إذا أحرزت قوتها استقرت»؛ انسان هنگامی که به نیازهای خود دسترسی داشته باشد، آرامش پیدا می‌کند.» (مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۴۵۱)

یکی از کارهای مهم دشمنان دین که در سرنوشت جوامع تأثیر بسیاری دارد، ایجاد نیاز است؛ یعنی آنها را از تولید نیازهایشان دور کرده و به مصرف‌زدگی دچار می‌کنند.

۲-۴. فرهنگ انفاق و توجه به نیازمندان

انفاق دانه‌ای است پربار، چنانکه قرآن می‌فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ» (بقره/ ۲۶۱) مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند به‌مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد.

تعالیم اسلام و هندسه فرهنگی می‌خواهد انسانی بسازد که به هم نوع خود توجه داشته باشد و خود را در برابر برادران دینی و هم نوعان خود در جامعه مسئول بداند و در رفع حوائج و نیازمندی‌های آنها تلاش نماید تا علل انحراف‌های اخلاقی در ریشه خشکانده شود و جامعه از ورطه هلاکت و تباهی مصون و محفوظ بماند، اگر یک فرد در جامعه دچار فقر و احتیاج شد تبعات فقر او دامن‌گیر همه جامعه شده و سبب هلاکت همه اجتماع می‌شود و لذا می‌بینیم که برخی آیات قرآن نیز ناظر بر این موضوع می‌باشند مانند این آیه که انفاق را مانع هلاکت و از بین رفتن معرفی می‌کند:

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/ ۱۹۵) در راه خدا انفاق کنید: (و با ترک انفاق) خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

بنابراین در جامعه‌ای که روح کمک و تعاون بر آن حاکم باشد و مردم با فرهنگ انفاق خو گرفته باشند فقراء را در اموال خود شریک دانسته و حقی را برای آنها قائل می‌شوند

«وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات/۱۹) و در اموالشان بر فقیر سائل و محروم حقی منظور می‌داشتند.

۲-۵. ادای تکالیف مالی

۱-۲-۵. زکات

از جمله حقوقی که در تعادل اقتصادی جامعه، مدنظر شارع مقدس می‌باشد، زکات می‌باشد. واژه زکات به معنای طهارت، رشد، برکت و مدح آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۴، ص ۳۵۸)

راغب اصفهانی درباره علل نامیدن حق مالی به عنوان زکات را این دانسته که دهنده‌ی آن به برکت در مال خود یا پاک کردن نفس و جان خویش از گناه و تطهیر و تزکیه آن یا حتی هر دو امید دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۳۸۵) این نوع نگاه به زکات و دیگر حقوق الهی، سبب خواهد شد جامعه‌ی دینی در رفع مشکلات اجتماعی گام‌های بلندی را بردارد.

۱۸۰

در حقیقت، دین مبین اسلام مکتبی است که تمام نیازمندی‌های مادی و معنوی انسان را در دستورات و احکام خود لحاظ کرده است، از این رو از همان آغاز و مقارن با تأسیس حکومت اسلامی و طرح احکام عبادی مانند نماز و روزه، زکات را نیز به عنوان یکی از واجبات اساسی جامعه دینی و یکی از منابع اصلی بیت‌المال معرفی کرد تا از آن

در جهت رفع مشکلات اقشار کم درآمد و محروم و همچنین توسعه‌ی امکانات رفاهی برای عموم مردم و تقویت دین‌داری، بهره گرفته شود.

زکات مال از بارزترین حقوق الهی بوده و آثار اجتماعی متعددی بر آن مترتب است و به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای کارآمدی اقتصاد اسلامی به حساب می‌آید، از جمله شکوفایی و پیشرفت، فقرزدایی جمعی، عدم تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود، رشد و نمو اقتصادی جامعه‌ی دینی و ... بر این اساس می‌بایست پرداخت زکات به عنوان یکی از مظاهر حقوق الهی از سوی دولت اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گیرد و در پرداخت آن، فرهنگ‌سازی گردد و مردم به اشکال مختلف نسبت به آن ترغیب نمایند.

آنچه امروز در جامعه‌ی اسلامی مشاهده می‌کنیم، غیر از آن جامعه‌ی ایده آلی است که اسلام برای ما ترسیم کرده است. فقر هنوز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جامعه‌ی اسلامی مطرح است و اکثریت مردم از این پدیده‌ی شوم، رنج می‌برند، در حالی که آموزه‌های دینی، زکات را به - عنوان بهترین ابزار ریشه‌کنی فقر معرفی کرده است؛ حضرت زهرا (س) در این ارتباط می‌فرماید:

«فجعل الله الزكاة تزكية للنفس و نماء في الرزق» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۵،

۱۸۱

ص ۱۰۶۴)؛ خداوند زکات را برای پاکیزه کردن جان‌ها و ابزارهای جهت رشد اقتصادی جامعه قرار داد.

متأسفانه فقر موجود در جوامع اسلامی که از علل عقب‌ماندگی آنها نیز محسوب می‌گردد، در نتیجه عمل نکردن به این فریضه‌ی الهی است که یا به خوبی شناخته نشده است و یا جلوه ضعیفی داشته است.

با توجه به موارد مصرف زکات که در کلام الهی معرفی گردیده است، اهمیت اجتماعی این فریضه بیش‌ازپیش دانسته خواهد شد: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ»، زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای جمع‌آوری آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود و برای آزادی بردگان و ادای دین بدهکاران و در راه تقویت آیین خدا و واماندگان در راه؛ این یک فریضه‌ی مهم الهی است. (توبه / ۶۰)

«هر جامعه‌ای دارای افرادی از کار افتاده، بیمار، یتیمان بی‌سرپرست، معلولین و امثال آنها می‌باشد، باید موردحمایت قرار گیرند و نیز برای حفظ موجودیت خود در برابر هجوم دشمن، نیاز به سربازان مجاهدی دارد که هزینه‌ی آنها از طرف حکومت پرداخته می‌شود، همچنین کارمندان حکومت اسلامی، دادرسان و قضات و نیز وسایل تبلیغاتی و مراکز دینی، هرکدام نیازمند به‌صرف هزینه‌ای است که بدون یک پشتوانه‌ی مالی منظم و مطمئن، سامان نمی‌پذیرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ ش، ج ۸، ص ۳)

سفارش‌های مکرر معصومین در اهمیت پرداخت حقوق مالی شرعی و گره زدن آن به ایمان، نشان از جایگاه ویژه‌ی این حقوق در آموزه‌های دینی است، امام صادق (ع) چنین می‌فرماید: «رأيت الرجل عنده المال الكثير لم يزكه منذ ملكه (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۵، ص ۱۱۵)؛ مردم را می‌بینی که ثروت زیاد دارند و از آغاز ثروتمند شدن، زکات نپرداخته‌اند.»

در حقیقت، جامعه‌ای که پایبند به حقوق مالی پروردگار نباشد، دچار آفت اقتصادی خواهد شد و مسلماً به سمت انحطاط و ویرانی کشیده خواهد شد. چرا که

وقتی حق ولی نعمت و صاحب اصلی اموال، رعایت نگردد، تضييع ديگر حقوق اجتماعي نیز کار دشواری نخواهد بود، لذا جامعه به سمت هرج و مرج پیش خواهد رفت و بحران‌های اقتصادی و اجتماعي را در پی خواهد داشت.

علاوه بر آثار اجتماعي (مانند فقر و انزوا و ...) که بر عدم پرداخت حقوق الهی مترتب است، از نظر فردی نیز دارای اثرات نامطلوبی است. از جمله عدم تطهیر روحی و درونی است که از آیه ۱۰۳ سوره توبه قابل برداشت است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا»؛ از اموال آنها صدقه ای را به عنوان زکات بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی!

یعنی پرداخت زکات باعث تطهیر افراد و عدم پرداخت آن، نتیجه عکس خواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ ش، ج ۸ ص ۱۱۸)

آیات متعدد قرآن کریم پیرامون این مسئله، حاکی از آن است که اسلام توجه ویژه‌ای به این امر داشته و بر احیای آن تأکید دارد. از جمله اکثر آیاتی که اقامه‌ی نماز را مطرح کرده‌اند، پرداخت زکات را نیز در کنار خود دارند، مانند آیه ۳۱ سوره مبارکه ابراهیم که می‌فرماید: «قُلْ لِعِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»؛ به بندگان مؤمنم بگو: نماز را بر پا دارند و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم، انفاق کنند.

در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه توبه نیز می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا»؛ از اموال آنها صدقه ای (به عنوان زکات) بگیر تا بوسیله‌ی آن، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی.

این آیه شریفه، متضمن حکم زکات مالی است که خود یکی از ارکان شریعت اسلام است و مهم‌ترین کارکرد آن، پرورش افراد در جامعه، مطابق احکام الهی می‌باشد.

وجه اجتماعی آیه این است که ای محمد از اصناف مالهای مردم زکات را بگیر و آنها را پاک و اموالشان را پربرکت کن. (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۹، ص ۳۷۷)

در دین اسلام، افراد جامعه به‌مانند اعضای یک جسم درصدد رفع مشکلات هم‌نوعان خود بر آمده و درد آنان را درد خود می‌پندارند؛ خداوند در آیه ۱۱ سوره توبه به زیبایی این مطلب را بیان داشته: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»؛ اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند.

«طبق آیه‌ی مذکور پرداخت زکات از جمله علل و عوامل حصول اخوت و برادری دینی در میان افراد یک جامعه و انسجام‌بخشی و همدلی در میان ایشان است.» (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۱۷)

رسول خدا (ص) قبولی نماز را در گرو پرداخت زکات دانسته و فرموده است: «أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلُ صَلَاتُكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۹۷)؛ ای مسلمانان! زکات مالتان را بدهید تا نمازتان قبول شود.

با نگاه دقیق به آیات و روایات وارده، جایگاه و اثرات فردی و اجتماعی زکات تبیین می‌شود و امید است با عمل به فرامین الهی در احیای فریضه‌ی زکات، در جهت اعتلای اقتصادی جامعه‌ی دینی گام برداریم تا هم موجبات قبولی اعمال فردی فراهم گردد و هم در ریشه‌کنی معضل بزرگ اجتماعی یعنی فقر و تنگدستی سهیم باشیم.

۲-۵-۲. خمس

از دیگر حقوق الهی تقریباً فراموش شده در جامعه‌ی دینی، پرداخت خمس می‌باشد، خداوند در آیه ۴۱ سوره انفال که به آیه خمس معروف است چنین می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ

الْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ اتَّقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ و بدانید آنچه را که سود می برید برای خدا است پنج یک آن و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان، اگر به خدا و آنچه را که در روز فرقان روزی که دو گروه یکدیگر را ملاقات کردند بر بنده مان نازل کردیم ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیز توانا است.

علامه طباطبایی سیاق ظاهری آیه را حاکی از تشریح ابدی و دائمی خمس مانند سایر تشریحات قرآنی دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ج ۹، ص ۹۰) «عبارت (واعلموا) خطاب به جمیع مکلفین تا روز قیامت است؛ چنانچه تمام احکام اسلامی از این باب است.» (طیب، ۱۳۶۹، ش، ج ۶، ص ۱۲۸)

و بر اساس روایات اهل بیت (ع) منظور از غنیمت، در آیه مذکور، تنها چیزهایی که در جنگ‌ها به دست گروه پیروز می‌افتد، نیست؛ بلکه شامل غنائم جنگی، هر چیزی دیگری که انسان بدون مشقت فراوانی به - دست آورد و هرگونه فایده‌های که از طریق تجارت با کسب و کار به دست انسان می‌افتد، خلاصه هرگونه سود و منفعتی که به انسان می‌رسد را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ش، ج ۷، ص ۱۷۹)

لازم به ذکر است که منابع مالی خمس با زکات متفاوت است و عبارتند از:

۱. منفعت کسب؛ ۲. معدن؛ ۳. گنج؛ ۴. مال حلال مخلوط به حرام؛ ۵. جواهری که به واسطه غواصی به دست می‌آید؛ ۶. غنیمت جنگی؛ ۷. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. (طبرسی، ۱۴۱۵، ش، ج ۴، ص ۸۳۵)

شهید مطهری هم در این ارتباط می‌گوید: «مطابق روایات اهل بیت (ع)، خمس به هر در آمد زائدی که صرفاً در آمد و سود خالص یا بدون زحمت و نیروی کار به دست

آید، تعلق می‌گیرد. فرضاً در یک معامله، شخصی پنجاه هزار تومان دریافت کند و در مقابل، کالایی دریافت کند و این کالا را به همان قیمت بفروشد. در این معامله، فروشنده هیچ سودی نبرده است. حال اگر فروشنده سودی ببرد، ولی در مقابل، نیروی کاری مصرف کرده باشد، هر مقدار از سود فروش مال که برای فروشنده و عائله‌اش مصرف شود، به شرط آنکه اسراف نکند، در آمد محسوب نمی‌شود. بلکه آنچه را علاوه بر سرمایه‌ی اصلی و مخارج عادی زندگی خالص به دست فروشنده می‌آید، در آمد است.» (مطهری، ۱۳۷۸ ش، ج ۲۶، ص ۲۴۹)

لذا طبق گفته‌های مفسرین و اندیشمندان، خمس تنها عائد از غنائم جنگی نخواهد بود.

امام کاظم (ع) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «يؤخذ بين كل الصنوف، الخمس فيجعل لمن جعله الله له و تقسم الأربعة الأقسام بين من قاتل عليه و ولي ذلك و يقسم بينهم الخمس» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۵۳۹)؛ یک پنجم از درآمد و سود، به عنوان خمس گرفته می‌شود و در کارهایی که خدا معین کرده، مصرف می‌شود. در مصرف غنائم جنگی، چهار پنجم دیگر در میان لشکریان تقسیم می‌شود و در موارد دیگر چهار پنجم به صاحبش برگردانده می‌شود.»

امام رضا (ع) نیز در این رابطه فرموده‌اند: «إن الخمس عوننا على ديننا و على عيالاتنا و على موالينا و ما نبذله و نشترى من أعراضنا ممن نخاف سطوته فلا تزووه عنا» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۵۴۸)؛ خمس، تقویت دین و کمک به بنیه اقتصادی ذریه رسول خدا (ص) است، آن را از ما دریغ ندارید.»

گرچه انفاق از زیادی مال، فطری انسان و نتیجه‌ی بلافصل و مستم ایمان به آخرت است؛ لکن خدای متعال این امر حیاتی برای مجتمع مسلمین را به اختیار خود آنها نگذاشت و آن را به عنوان یک واجب شرعی و تکلیف قرار داد. در واقع پرداخت خمس و زکات، از مصادیق احسان و نیکوکاری و از ارکان فرهنگ مالی در قرآن و عترت می‌باشند و جزء عبادات مالی محسوب می‌شود. بدین معنا که پرداخت این حقوق، از وظائف مهم مسلمانان می‌باشد، چرا که با این کار، اولاً بخش قابل توجهی از نیاز دین به منابع مالی تأمین می‌شود و ثانیاً تأمین نیازهای نیازمندان از ذریه‌ی رسول خدا (ص) که غالباً افرادی آبرومند هستند، در جامعه‌ی اسلامی به شکل آبرومندانه تری حفظ می‌شود. از طرفی احسان نسبت به دیگران که برای انسان‌سازی و جامعه‌سازی کاملاً ضروری می‌باشد مورد تأکید آموزه‌های دینی قرار گرفته است.

۶-۲. قناعت

قناعت در لغت به معنای «بسندگی کردن به اندکی از امور دنیایی است که مورد نیاز انسان باشد» آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۶۸۵) و در اصطلاح، «ملک‌های نفسانی است که موجب بسندگی کردن به میزان نیاز و ضرورت از مال می‌شود، بدون اینکه تلاش و رنج برای به دست آوردن بیش از میزان نیاز به کار گرفته شود.» (نراقی،

۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۱۰۲)

با نگاهی به وضعیت موجود جوامع بشری در می‌یابیم که زیاده‌خواهی‌های انسان امروزی، آرامش را از او سلب کرده و او را به وادی حرص و طمع کشانده است؛ لذا به‌منظور برآورده کردن خواهش‌های نفسانی و تمایلات نامشروع خود، دست به هر اقدامی می‌زند تا خود را اقناع کند، غافل از اینکه نفس سرکش و سیری ناپذیر انسان، هیچ‌گاه به داشته‌های خود بسنده نخواهد کرد و به دنبال چنگ‌اندازی به حقوق دیگران

خواهد بود؛ مال و ثروت، وسیله رفع نیازهای طبیعی اوست اما باکمال تأسف، به ابزاری جهت استثمار دیگران و فخرفروشی‌های بیجا تبدیل شده است؛ لذا غم و اندوه بی‌اندازه‌ای را به زندگی بشر تحمیل کرده است.

قرآن کریم حب انبوه مال را اندوه روح دانسته (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۴۶) آن را نکوهش می‌کند؛ «و تُحِبُّونَ الْمَالََ حُبًّا جَمًّا»؛ و مال و ثروت را بسیار دوست دارید»

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «ای فرزند آدم! اگر از دنیا به قدر کفایت و رفع نیاز خواهی، اندک چیز تو را کفایت می‌کند و اگر بیش از نیاز و کفاف خواهی، هر چه در دنیاست برایت کافی نخواهد بود.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۳۸)؛

نابسامانی‌های اقتصادی اعم از اسرافها و تبذیرها، معاملات ربوی، بدهی‌های بانکی، ورشکستگی‌ها و ... که امروزه بشر را از لذت زندگی محروم کرده و او را به ورطه نا آرامی سپرده است، حاکی از عدم رعایت اصل قناعت در زندگی آنهاست.

در آموزه‌های قرآن و عترت، قناعت از مهم‌ترین راهکارهای اقتصادی در سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود و تفکر اقتصادی و طرح و برنامه‌ریزی دقیق و حل مسائل پیچیده آن، از مسائل اساسی دین به شمار می‌آید. خدای متعال دنیا را همچون کانالی قرار داده است که کاربردش تنها به عنوان مسیر عبور است؛ مسیری که یک سوی آن در جهت ترقی و تکامل است و جهت دیگر آن سقوط و انحطاط؛ لذا اگر انسان با این نگاه به دنیا بنگرد، آن را به عنوان وطن همیشگی خود انتخاب نخواهد کرد.

امام علی (ع) در تبیین آن به زیبایی بیان می‌دارد که: «کفی بالقناعة ملكاً (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹). برای استحکام یک حکومت، قناعت، بسنده خواهد کرد.» همچنین در تبیین عبارت «حیات طیبه» در آیه ۹۷ سوره نحل «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم.» فرمودند: «حیات طیبه، همان قناعت است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹)

مفهوم کلام امام (ع) محدود ساختن حیات طیبه به قناعت نمی‌باشد، بلکه بیان مصداق است، چرا که اگر تمام دنیا را به انسان بدهند ولی روح قناعت را از او بگیرند همیشه در آزار و رنج و نگرانی بسر می‌برد و به عکس اگر انسان روح قناعت داشته باشد و از حرص و آز و طمع بر کنار گردد، همیشه آسوده خاطر خواهد بود. «حیات طیبه، به معنای تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش و منطبق با الگوهای سالم اقتصادی که از مجرای برنامه‌ریزی دقیق و دور شدن از نابسامانیها و رنجهای انحصارطلبی، به وجود می‌آید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱۱، ص ۳۸۹)

امام رضا (ع) نیز در اهمیت قناعت به عنوان سبک زندگی اسلامی می‌فرماید: «القناعة تجتمع إلى صيانة النفس و عز القدر و طرح مؤن الاستكثار و التبعيد لأهل الدنيا و لا يسلك طريق القناعة إلا رجلان إما متعلل يريد أجر الآخرة أو كريم متنزه عن لثام الناس» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۳۴۹)، قناعت موجب خویش‌ننداری، عزت و آسوده شدن از زحمت زیاده‌خواهی و بندگی در برابر دنیا پرستان می‌شود. راه قناعت را جز دو نفر نمی‌پیماید: یا اهل عبادتی که مزد آخرت را می‌خواهد، یا انسان بزرگواری که از افراد فرومایه دوری می‌کند.»

دل نبستن به دنیای فانی و پیمودن راه قناعت موجب می‌شود فرد به آنچه از دنیا به او روزی شده است، کفایت کرده و به اموال دیگران چشم ندوزد. نه حرص و طمع او را فرا می‌گیرد و نه به حسد، مبتلا می‌گردد. در حقیقت، آرامش از محصولات قناعت است.

۳. آسیب‌های اقتصادی

۳-۱. وابستگی اقتصادی به بیگانگان

یکی از آسیب‌های اقتصادی، وابستگی کشور به یک محصول مانند درآمدهای نفتی و اقتصاد تک محصولی است. این وابستگی، خسارت بزرگی بر پیکره اقتصاد وارد می‌کند و زمینه تسلط دیگران را فراهم می‌سازد. خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». بعنوان مثال در دنیای امروز خرید نفت در جهان سبب شده که دیگر بخش‌های اقتصادی از رونق بیفتد و به جای کسب درآمدهای ارزی، خود مصرف کننده درآمدهای نفتی باشند. کشاورزی که اساس استقلال اقتصادی و از مؤلفه‌های پیشرفت محسوب می‌شود، رو به نابودی می‌گذارد. صنعت نیز وضع بسیار بدتری داشته؛ زیرا کالاهای صنعتی حاصل مونتاژ قطعات خارجی بوده نه محصول فکر و اندیشه داخلی.

بعنوان نمونه در جمهوری اسلامی ایران این وابستگی را سالهاست که تجربه می‌کند که خود معضلی برای حال و آینده است، عدم وجود کنترل‌های درونی و بیرونی بر سیاست‌های درآمدی و هزینه سازی‌ها در بخش دولتی و همچنین درآمدها و برنامه‌های اقتصادی بخش خصوصی خود معضلی عظیم‌تر به پهنه اقتصاد کشور است که زمینه‌ساز بی‌عدالتی می‌گردد؛ و این در حالی است که نظام و اسناد حاکمیت نظام ایران مبتنی بر قواعد اسلامی است که بر اجرای عدالت تأکید می‌نماید، زیرا برقراری

توازن و تعادل اقتصادی، زمینه را ربای رشد عقلی، تکامل علمی و قوام فرهنگی جامعه فراهم می‌آورد و هرگونه افراط و تفریط اقتصادی مانع رشد علمی و فرهنگی می‌شود.

۲-۳. ثروت‌اندوزی

ثروت‌اندوزی از مهم‌ترین علل برهم زدن عدالت اقتصادی در جامعه است. ظلم‌های فاحش اقتصادی موجود در جوامع فعلی، در نتیجه‌ی این تفکر به وجود آمده است که سرمایه و پول در حد پرستش، ارزشمند گشته است، خداوند در آیه ۳۴ سوره مبارکه توبه، سرنوشت چنین افرادی را ناگوار دانسته و به آنها وعده‌ی عذاب می‌دهد: «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره و پنهان می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده.

مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می‌دارد، اقتصادیات جامعه است که خدا آن را مایه‌ی قوام اجتماعی قرار داده است. اگر آماری از جنایات و تعدیات گرفته شود، خواهیم دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم وادار می‌کند و یا ثروت بی‌حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی و امیدارد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ج ۹، ص ۲۴۸)

پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «فوا عجباً لِقَوْمِ أَلْهَتَهُمْ أَمْوَالَهُمْ»؛ شگفتا از آن مردمی که دارایی هایشان، سرگرمشان ساخته است. (محمدی، ری شهری، ۱۳۷۹، ش، ج ۳، ص ۴۱۷)

فرهنگی که دچار ثروت‌اندوزی گردیده است، افراد آن در راستای ایصال به این هدف از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد و به راههای نامشروعی مانند سرقت،

راهزنی، آدم‌کشی، گران‌فروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات متوسل خواهد شد تا میل درونی خود را اقناع و ارضا نماید.

از طرفی به - علت فراوانی ثروت به گناهان بی‌شماری از جمله: اسراف در خوردن، بی‌بند و باری در شهوتها، هتک حرمتها و تجاوز به حقوق دیگران، اقدام خواهد نمود. در چنین فرهنگی، سرمایه و پول، معیار ارزشمندی افراد قرار می‌گیرد و ارزش‌های الهی و معنوی کم رنگ شده و از اهمیت برخوردار نیستند. با نهادینه شدن عدالت اقتصادی در جامعه، انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای محدود، منتفی خواهد شد و زمینه‌ی پیدایش اتراف که همان مستکبرین اقتصادی جامعه هستند، از بین خواهد رفت و همگان از نعمت‌های الهی و امکانات جامعه برخوردار خواهند شد.

۳-۳. ربا

رباخواری از دیگر آسیب‌های اقتصادی است که گریبانگیر جوامع امروزی شده و فرصت‌های برابر را از افراد جامعه سلب کرده و اجازه‌ی رشد و شکوفایی به شخص و بلکه جامعه در حوزه اقتصادی و دیگر حوزه‌های انسانی را نمی‌دهد. رباخواری نوعی ظلم اقتصادی به شمار می‌رود، چرا که مسیر اقتصادی جامعه را دچار اختلال و بی‌نظمی نموده است تا آنجا که در نگاه مردمان، قرض بدون سود، زیان مالی و اقتصادی انگاشته می‌شود و رباخواری، نوعی بهره‌وری مطلوب محسوب می‌شود. در حالیکه با مراجعه به آیات الهی، عکس این قضیه مدنظر است؛ یعنی از یک طرف، رباخواری در ردیف پیکار با خدای متعال قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (بقره / ۲۷۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و آنچه از مطالبات ربا باقی

مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید، اگر چنین نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد.

همچنین در آیه ۱۳۰ سوره مبارکه آل عمران در مذمت آن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را با سود چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید. باشد که رستگار شوید.

از طرف دیگر، قرض دادن و احیای سنت قرض الحسنه، مورد ستایش قرار گرفته و فرموده است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (بقره / ۲۴۵)؛ کیست که به خاطر خدا «قرض الحسنه ای» دهد و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند تا آن را برای او، چندین برابر کند؟

در آیه شریفه معنای قرض الحسنه این است که بیاید با خدا رباخواری کنید و بین خودتان رباخواری نکنید؛ زیرا در صورت قرض دادن به خداوند، سود و بهره‌ی زیادی نصیب انسان خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۲۱)

اما با کمال تأسف پدیده‌ی شوم رباخواری در جوامع بشری امروز، خودنمایی بیشتری می‌کند؛ چرا که با گسترده‌تر شدن روابط مالی بین افراد از طریق بانکها و مؤسسات مالی، امکان بیشتری جهت انجام معاملات ربوی فراهم گردیده است.

امام صادق در این ارتباط می‌فرماید: «كَانَ الرِّبَا ظَاهِرَةً لَا يَعْبُرُ»؛ رباخواری آشکارا انجام می‌گیرد و کسی رباخوار را توبیخ نمی‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۵، ص ۱۱۱)

معاملات ربوی، مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی خواهد شد، چرا که این معاملات، رباخواران را به اختلاس و ربودن اموال بدهکاران یاری می‌کند و به تدریج از

بنیه مالی یک عده که غالب اکثریت جامعه هستند، کاسته و به حجیم شدن اموال عده‌ی قلیلی از جامعه می‌انجامد. از طرفی اکثر کسانی که بنیه علمی خود را از دست داده‌اند از گردونه‌ی تلاش و فعالیت به نحو شایسته و رقابت سالم اقتصادی حذف می‌گردند و اقتصاد جامعه در دست عده‌ای سودجو و طماع به گردش می‌افتد و از پیشرفت و توسعه‌ی هدفدار باز می‌ماند.

عدالت اقتصادی با ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه باعث سروسامان دادن امور اجتماعی می‌گردد «واژه قسط بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال بر اساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود و مراد از آن، مسلط بودن بر زندگی و بر امر معیشت است.» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ج ۲، ص ۴۱۱)

در جامعه‌ای دینی که توسط امام علی (ع) بنا گردید این ویژگی از اصول اساسی و معیارهای برجسته آن بود. حضرت در این باره می‌فرماید: «لو كان المال لی لسوئیت بینهم فكیف و إنما المال مال الله» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶): اگر مال از شخص من بود، آن را به طور مساوی تقسیم می‌کردم تا چه رسد به اینکه مال از آن خدا است.»

علامه طباطبایی در این زمینه آورده است: «از آنجا که ریشه‌ی اکثر مفساد اجتماعی و پدیده‌های نامطلوب زندگی، فقر و غنای مفرط است، اسلام رفع اختلاف طبقاتی و تقارب اقشار جامعه از نظر برخورداری از امکانات معیشتی را، یکی از برنامه‌های خویش قرار داده است. چرا که ایجاد فرهنگ مطلوب تنها از طریق ایجاد تعادل و توازن بین نیروهای جامعه و گسترش عدالت با اصلاح وضع اجزای جامعه و تقارب آنان قابل انجام است؛ از این رو برای تثبیت عدالت اقتصادی در جامعه و اصلاح وضع آن، چاره‌ای

جز همگونی و همخوانی ساختاری جامعه نیست و این بدون مبارزه با پدیده ناهنجار فاصله طبقاتی امکان پذیر نمی‌باشد.» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ج ۹، ص ۳۸۸)

نکته‌ی بسیار مهمی که در باب عدالت اقتصادی و مقابله با ربا در جامعه‌ی دینی مدنظر است، این است که در چنین جامعه‌ای، اقتصاد وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف عالی انسانی است، نه هدف زندگی. با رعایت عدالت، جامعه دچار شکاف طبقاتی نمی‌شود و به دنبال ربا نمی‌رود.

۳-۴. اسراف و زیاده‌روی

اسراف اقتصادی، همواره با نوعی زیاده روی در مصرف با هزینه کردن اموال و امکانات شخصی یا عمومی همراه است. از آنجا که اسراف در اموال به نحوی سرپیچی از فرمانهای الهی محسوب می‌شود، با فساد ارتباط مستقیم دارد. مؤید این مطلب در آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره مبارکه شعراء آمده است: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ - الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ»؛ و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.

بر اساس این آیه، مردم بر اموال خود تسلط دارند، ولی این تسلط به معنی این است که در چارچوبی که اسلام اجازه داده، آزادی تصرف دارند و نه بیشتر. تضييع مال به هر شکل و به هر صورت، به صورت دور ریختن، به صورت بیش از حد نیاز مصرف کردن، به صورت صرف در اشیاء لوکس و تجمل‌های فاسد کننده که در زبان اسلام از آنها به اسراف تعبیر شده حرام و ممنوع است. (مطهری، ۱۳۷۷، ش، ج ۲، ص ۲۴۶)

در حقیقت، برهم زدن حالت تعادل در هر امری، موجب فساد در آن می‌شود. بر همین اساس، اسراف مالی که نابود کننده امکانات و داراییهای گوناگون انسان است، با دیگر مفاهیم ضد ارزشی چون کفر، ظلم، فسق و... ارتباط عمیق مفهومی و پیوند گسترده مصداقی برقرار است. (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۵، ص ۳۰۶)

اسراف اقتصادی که امروزه بسیار متدال است، دارای وجوه متعددی است که بارزترین آنها اسراف در مصرف است. این نوع اسراف به طرق مختلف صورت می‌پذیرد، از جمله:

- الف - تضييع اموال قابل استفاده که در دسترس انسان هستند و به عنوان امانت در اختیار او قرار گرفته اند، اعم از اموال شخصی و یا اموال عمومی؛
- ب - بدون استفاده گذاردن هرگونه سرمایه؛
- ج- مصرف اشیا به نحوی که فایده مادی یا معنوی به بار نیاورد.
- د- مصرف بیش از حد و افزون بر نیاز، مانند خرید چند خانه: پیامبر (ص) می‌فرماید: «لا تبنوا ما لا تسکونون؛ بنا نکنید آنچه را ساکن نمی‌شوید». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۸) (ابن عاشور، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۵، ص ۷۹)

در آموزه‌های قرآن و عترت علاوه بر تلاش در به دست آوردن مال حلال، شیوه درست و به اندازه مصرف کردن آن نیز مورد تأکید می‌باشد تا فرد و جامعه، همگام با هم پیشرفت داشته باشند؛ به عبارتی در فرهنگ اقتصادی قرآن، هم انواع هزینه کردن اموال تبیین شده است و هم ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در چگونگی مصرف و هزینه کردن، معین شده است؛ لذا اسراف به عنوان یکی از مصادیق بارز نادرست مصرف کردن، جزء قبیح‌ترین ضد ارزش‌ها در آموزه‌های دینی است. آیات پایانی سوره فرقان که به معرفی «عباد الرحمن» به عنوان اسوه‌های فرهنگ دینی، پرداخته است، یکی از

ویژگی‌های بارز آنان را این صفت می‌داند که در هنگام مصرف و خرج کردن، نه اهل بخل هستند و نه اهل اسراف، بلکه اهل میانه روی‌اند.

طبرسی در مجمع، روایتی را از پیامبر اکرم (ص) آورده است که فرموده‌اند:

«من أعطی فی غیر حق فقد أسرف و من تمنع من حق فقد قتر، هر کس به ناحق و بیجا عطا کند، اسراف کرده است و هر کس به اندازه خرج نکند، سختگیری و خشت به خرج داده است.» (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۲۸۰) در آیه ۲۷ سوره اسراء، اسراف کنندگان از برادران شیطان به حساب آمده‌اند: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»؛ بی‌تردید اسراف کنندگان و ولخرجان، برادران شیاطین‌اند. «در این آیه، شیطان، مظهر اسراف و تبذیر نعمت‌های خداست و هر کس به ولخرجی عادت کند در حقیقت، دنباله‌رو شیطان محسوب می‌شود.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱۰، ص ۵۷)

رسول خدا (ص) برای اسرافکار چهار نشانه‌ی مهم را بر می‌شمارد: «و أما علامة المسرف فأربعة؛ الفخر بالباطل و يأكل ما ليس عنده و يزهّد فی اصطناع المعروف و ينك من لا ينتفع بشيء منه» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۲)؛ به چیزهای باطل می‌نازد، بیش از حد مصرف می‌کند، در کارهای خیر بی‌رغبت است و هر کس را که به او سودی نرساند انکار می‌کند.»

امام علی (ع) نیز در مذمت اسراف مالی و اقتصادی چنین فرموده است: «من كان له مال فإياه و الفساد فإن إعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و إسراف» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۸۵)؛ هر کس مالی دارد، از تباه کردن آن بر حذر باشد، زیرا اعطای نابجای مالتان در واقع نوعی اسراف است.»

از طرفی، خدای متعال در موارد مختلف بیان فرموده که اسراف کنندگان را دوست ندارد و با عناوینی چون برادران شیاطین و ... آنها را خطاب کرده است: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف / ۳۱)؛ ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.

اگر مصرف در زندگی انسان، با انگیزه‌ای درست و تمایلی معقول و منطقی صورت بگیرد، موجب تکامل او می‌شود و اگر با انگیزه‌ای غلط و منفی و مبتنی بر پندارهای موهوم، از قبیل تفاخر، خوشگذرانی، تجمل پرستی و افزون طلبی، چیزی را مصرف کند، سبب انحطاط و تباهی و فقر او می‌گردد. از این روست که محو اسراف‌های بی‌جا، نقش مهمی در شکوفا شدن اقتصاد در جامعه‌ی دینی دارد.

۳-۵. بیکاری

از دیگر آسیب‌های بسیار مهم اقتصادی در جامعه، بیکاری و عدم اشتغال است و با آگاه کردن افراد از فسادهای ناشی از بیکاری با توجه به آنچه در آیات و روایات وارد شده است و فراهم کردن زمینه‌های اشتغال برای آنها، رونق دادن به بازار کار، ترویج و توجه به آموزه‌های دینی در این زمینه و نهادینه کردن ارزش‌های معنوی و مادی کار می‌توان با بیکاری و آثار سوء آن مبارزه کرد و از آسیب‌هایی که دامن‌گیر اجتماع می‌شود، جلوگیری کرد، زیرا نگاه قدسی و عبادی به کار، انگیزه کار کردن را در انسان تقویت می‌کند و مرتبه معنوی و اجتماعی او را بالا می‌برد.

همچنان که اسلام با نگاه تکلیفی به کار و نیز جهاد خواندن آن، انگیزه کار را در مؤمنان افزایش می‌دهد و از طریق مبارزه با بیکاری، تبلی و تن‌آسایی به احیای فرهنگ

کار اقدام می‌کند؛ مطابق آیات قرآن کریم «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) برای انسان جز آنچه تلاش و کوشش کرده نخواهد بود.

بیکاری در روحیه و رفتار انسان اثرات منفی فراوانی دارد. در این رابطه امام علی (ع) می‌فرماید: «هرکس در کار سستی و کوتاهی کند به اندوه و غصه گرفتار می‌شود.»^۱ امام در این روایت کار را مایه نشاط و شادابی دانسته و بیکاری و کاهلی را مایه اندوه می‌شمارد. همچنین آن حضرت، در خصوص رابطه تنبلی و کم کاری که به تبع آن سرگردانی و فقر است می‌فرماید: «هرکس تنبلی و سستی کند حقوق و بهره خود را از دست می‌دهد؛ و به درستی که اشیاء به هم دیگر می‌رسند، زمانی که بیکاری و ناتوانی به همدیگر متصل شوند؛ نتیجه آن جز فقر چیزی نخواهد بود».

در این صورت است که فقر و تنگ دستی، به عنوان یک بلای فردی و اجتماعی دامن گیر او شده و وی را حتی از انسانیت هم ساقط می‌نماید تا جایی پایین می‌آورد که در سطح فنا و مرگ قرار می‌گیرد و می‌فرماید: «فقر کلید مرگ است.» و همین کلام امام قبیح مطلب را به خوبی بیان نموده و عواقب آن را گوشزد کرده است.

وجود فقر، باعث نابسامانی در زندگی انسان می‌شود؛ اگر انسان نیازمند و محتاج شد، دست به هرکاری می‌زند، این جاست که انحراف اجتماعی و کجروی‌ها شکل می‌گیرد. یکی از مشاغل کاذب و قبیح از دیدگاه امام علی (ع)، گدایی و دست دراز کردن پیش دیگران است که امروزه یکی از آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری می‌باشد و حضرت می‌فرماید: «بیکاری و در نتیجه نیاز به دیگران، شرف و عزت آدمی را نابود می‌سازد» و در قبیح آن می‌فرماید: «اگر ناچار شوم دست خود را تا آرنج در

دهان ازدها فرو برم، این عمل نزد من محبوب تر است از این که از کسی چیزی نبوده و اکنون منزلتی یافته چیزی درخواست نمایم». (طبرسی، ۱۳۹۲، ق، ج ۴، ص ۴۳۳)

از دیگر عارضه‌های منفی بیکاری، اشاعه فساد در جامعه است. هرچه میزان بیکاری بیشتر باشد فساد بیشتر خواهد بود و اعتماد از جامعه سلب خواهد گردید. دستبردها، تقلب و سایر فسادهای مالی و اخلاقی مترتب بر بیکاری است؛ لذا برای جلوگیری از این آسیب اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن؛ لازم و ضروری است که مردم نسبت به بیکاری اطرافیان خود بی تفاوت نباشند و با فراهم کردن امکانات شغلی، آنها را از این معضل نجات دهند و همچنین علما و روحانیون، با آگاه کردن از فسادهای ناشی از بیکاری، افراد بیکار را نهی از منکر کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ» (غافر/۷۸)؛ چون فرمان خدا در رسد (و رستاخیز برپا گردد)، به ذی حق داوری خواهد شد و در آنجاست که باطل گرایان (باطل اندیشان، ولگردان)، زیانکار خواهند بود.

در مقابل بیکاری مسئله کار است؛ که بعنوان مقدمه اصلی در طلب روزی است و اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در اسلام دارد. کار و کوشش برای کسب مال حلال، به گونه عام و تولید به طور خاص مورد توجه و تشویق پیشوایان دین است، از پیامبر (ص) روایت شده که: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»؛ عبادت ده جز است که نه جز آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است (نوری، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۳، ص ۱۲)

امام علی (ع) در همین زمینه می‌فرماید: «كُنْ لِدُنْيَاكَ كَانِكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ كُنْ لِآخِرَتِكَ كَانِكَ تَمُوتُ غَدًا»؛ چنان برای دنیایت کارکن مثل کسی که می‌خواهد همیشه

در این دنیا بماند و جاویدان باشد و برای آخرت چنان کارکن که گویا فردا می‌خواهی بمیری. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۵۳۵)

بنابراین با نهادینه کردن ارزش‌های معنوی و مادی کار در جامعه باید افراد را به کار تشویق کرد.

۶-۳. فقر

به طور کلی، فقر و تنگی معیشت مردم نقش بسیار مهمی در بریدن جامعه از حکومت دارد و باعث می‌شود حکام و سرمداران از دید مردم بیفتند و نفرت آنان را در دل خود بکارند تا به اقتضای زمان و در موقع مناسب آن را آشکار نموده و بروز دهند. لذا حکومت باید با اقدامات مناسب و برنامه‌ریزی کوتاه مدت و دراز مدت اجازه ندهد از این راه رابطه‌اش با مردم خدشه دار گردد. خداوند متعال در آیات متعدد قرآن بر انفاق تأکید می‌کند تا زمینه‌ای برای فقر افرادی از جامعه باقی نماند. بعنوان مثال در آیه ۱۰ منافقون «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ...» و ۱۹۵ سوره بقره و... به انفاق اشاره شده است.

خداوند در آیه ۱۶ سوره فجر، یکی از آثار فقر و تهیدستی را تغییر فضای تفکری بشر از مسیر درست معرفی می‌کند؛ زیرا فقر و تهیدستی، زمینه‌ساز بدگمانی به خداوند و لب‌گشودن به اعتراض و گلایه نسبت به اوست. براین اساس گفته شده است: کاد الفقر ان یكون کفرا؛ نزدیک است که فقر به کفر منجر شود. (مجلسی، ۱۳۶۶ ش، ج ۷۲، ص ۲۹) فقر باعث درخواست فقیر از دیگر هموعان می‌گردد. فقیر روزی خود را از دیگران درخواست می‌کند، در حالی که روزی دهنده خداوند است و باید از خداوند درخواست کرد؛ بنابراین، فقیر به جای خداوند، دیگران را رازق می‌پندارد و گمان می‌کند دیگران می‌توانند به او روزی دهند، هرچند خداوند آن را معین نکرده باشد.

امام علی (ع) از سنگینی و ذلت و خواری فقر به خدا پناه می‌برد، آنجا که می‌فرماید: «پروردگارا آبرویم را با بی‌نیازی نگهدار و شخصیتم را در اثر فقر ساقط مگردان که از روزی خواران تو درخواست روزی کنم و از اشخاص پست خواستار عطف و بخشش باشم، به ستودن آن کس که کمکم می‌کند مبتلا گردم و به مذمت و بدگوئی از آنکه به من نمی‌بخشد آزمایش شوم و تو در ورای همه این‌ها سرپرست منی که ببخشی و یا منع نمایی و تو بر همه چیز قادری» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵).

بعضی از روایات بر این نکته تأکید شده است که فقر موجب حقارت می‌گردد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «فقیر از بیان دلیلش عاجز است (نهج البلاغه، حکمت ۳).

فقر به عنوان یک آسیب اقتصادی نباید در جامعه بشری وجود داشته باشد. روی این اصل دین اسلام فقر و تنگدستی را جزو یکی از مصیبت‌های بزرگ و از جمله بلای جامعه بشری که تا سرحد نابودی آن تأثیر دارد، معرفی نموده است و ریشه‌کنی آن از اجتماع را اصلی‌ترین هدف و وجهه همت خود قرار داده است.

نتیجه

اقتصاد از این جهت برای جامعه بشری اهمیت دارد که از سوی بشر برای زنده ماندن و حیات دنیوی خویش نیازهای اولیه‌ای دارد که بخش مهم آن را اقتصاد بر آورده می‌سازد و از طرف دیگر از فراگیرترین نیازهای جوامع گوناگون می‌باشد و در صورت عدم تحقق آن از سوی حکومت‌ها موجب نارضایتی گسترده و عمومی می‌گردد و همچنین اقتصاد بر حوزه فرهنگ و سیاست نیز اثرگذار است و سلاخی است که در عصر جدید از سوی دشمنان برای مقابله با جامعه اسلامی استفاده می‌گردد. به همین جهت مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم بر اقتصاد تأکید ویژه‌ای نموده‌اند همانگونه که در آیات قرآن نیز برای رشد و پیشرفت اقتصادی راهکارهایی همانند عدالت، تولید، فرهنگ انفاق، قناعت و ادای تکالیف مالی پیش بینی شده و از آسیب‌های آن همچون ثروت اندوزی، ربا، اسراف، فقر و بیکاری انذار داده است.

منابع

- قرآن مجید
- (۱) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۱۶ ق، تحف العقول، قم، موسسه النشر الاسلامی.
 - (۲) ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۴۰۴ ق، التحریر و التنویر، بیروت، دار الفکر.
 - (۳) ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 - (۴) ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۶ ق، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - (۵) اسدی، علی، ۱۳۹۳ ش، مقاله نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، دوره ۲، شماره ۵، مقاله دوم، تهران: فصل‌نامه سیاست‌های راهبردی و کلان.
 - (۶) آذرتاش آذرنوش، ۱۳۸۳ ش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، چاپ چهارم.
 - (۷) آقانظری، حسن، ۱۳۹۱ ش، درست‌نامه نظریه‌پردازی علمی اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
 - (۸) آمدی، عبدالواحد، ۱۳۹۵ ش، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه‌ی محمد علی انصاری قمی، قم، امام عصر.
 - (۹) جوادی آملی، ۱۳۹۴ ش، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
 - (۱۰) جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸ ش، ولایت فقیه، قم، اسراء.
 - (۱۱) حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسایل الشیعه، آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول.
 - (۱۲) خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷ ش، بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲ بهمن.
 - (۱۳) خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۴ ش، بیانات رهبری، ۱/۱/۹۴

- ۱۴) دشتی، محمد، ۱۳۷۹ ش، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات نسیم حیات، چاپ دوم.
- ۱۵) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۹۲ ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار الکاتب العربی.
- ۱۶) ری شهری، محمد محمدی، ۱۳۷۹ ش، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث.
- ۱۷) طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۳ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۱۸) طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۹۲ ق، مکارم الاخلاق، به کوشش محمد حسین اعلمی، ششم، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- ۱۹) طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ ق مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۰) طریحی، فخرالدین، ۱۳۸۶ ق، مجمع البحرين، چاپ اول، تهران المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- ۲۱) طبیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹ ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- ۲۲) فدیور، لوئیس، ۱۳۶۶ ش، خودآموز اقتصاد، ترجمه فیروزه خلعت بری، تهران، شباویز، چاپ دوم.
- ۲۳) فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۴ ق، العین، چاپ اول، قم موسسه انتشارات اسلامی.
- ۲۴) فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۹ ق، تفسیر الصافی، دارالکتب اسلامیة.
- ۲۵) کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، اصول الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- ۲۶) مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.

- ۲۷) مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۸) مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷ ش، گفتارهای معنوی، قم، صدرا.
- ۲۹) مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸ ش، مجموعه آثار، قم، صدرا.
- ۳۰) نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۶ ش، معراج السعاده، چاپخانه‌ی پیام.
- ۳۱) نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث، چاپ اول.
- ۳۲) هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۷۳ ش، تفسیر راهنما، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.